

فصلنامه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی

License Number: 85625

Article Cod: SH24R840025

ISSN-P: 2676-6442

آموزش با رنگ فرهنگ: ظرفیت‌های بازی‌های بومی

در مدارس ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۷/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۰۸/۰۴)

مهناز نادری

چکیده

بازی‌های بومی محلی ایران به عنوان بخشی از میراث فرهنگی و سنت‌های اجتماعی، دارای ظرفیت‌های گسترده آموزشی، تربیتی و اجتماعی هستند که می‌توانند نقش مؤثری در توسعه همه‌جانبه کودکان ایفا کنند. این بازی‌ها با ایجاد فرصت‌های تعامل گروهی، تقویت مهارت‌های همکاری، مسئولیت‌پذیری و حل تعارض، و همچنین پرورش تفکر انتقادی، خلاقیت و توانایی‌های حل مسئله، به رشد شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان کمک می‌کنند. علاوه بر این، بازی‌های سنتی ابزارهایی برای انتقال ارزش‌ها، آداب و رسوم و هویت فرهنگی هستند و موجب افزایش حس تعلق به جامعه و تقویت هویت جمعی می‌شوند. از نظر روانی و جسمانی نیز، مشارکت در این بازی‌ها باعث کاهش استرس، افزایش نشاط و تحرک بدنی و ارتقای سلامت عمومی کودکان می‌شود. با وجود این ظرفیت‌ها، بهره‌گیری مؤثر از بازی‌های بومی در مدارس ایران محدود است و با چالش‌هایی مانند محدودیت فضای مدارس، کمبود تجهیزات، فشار برنامه درسی، نگرش سنتی آموزشی و فقدان آموزش و توانمندسازی معلمان مواجه است. برای رفع این محدودیت‌ها، ادغام بازی‌های سنتی در ساعات فوق برنامه و ورزش، طراحی برنامه‌های درسی بازی محور، آموزش معلمان و والدین و استفاده از فناوری‌های نوین برای معرفی و بازسازی بازی‌ها، به عنوان راهکارهای مؤثر مطرح می‌شوند. این اقدامات می‌توانند زمینه ساز توسعه مهارت‌های اجتماعی، شناختی، فرهنگی و جسمانی دانش‌آموزان و همچنین حفظ و انتقال فرهنگ و هویت ملی به نسل‌های آینده باشند.

واژگان کلیدی: بازی‌های بومی محلی، مهارت‌های اجتماعی، خلاقیت، هویت فرهنگی،

آموزش فعال

۱. مقدمه

بازی یکی از اساسی‌ترین فعالیت‌های دوران کودکی است که علاوه بر کارکرد سرگرمی، نقش مهمی در رشد شناختی، اجتماعی، هیجانی و جسمانی ایفا می‌کند. پیازه^۱ (۱۹۶۲) بازی را ابزاری برای رشد شناختی و شکل‌گیری مفاهیم ذهنی می‌داند و معتقد است کودک در جریان بازی، فرآیندهای «درون‌سازی» و «برون‌سازی» را تجربه می‌کند. در همین راستا، ویگوتسکی^۲ (۱۹۷۸) بازی را بستری برای یادگیری اجتماعی و فرهنگی معرفی کرده و بر نقش آن در شکل‌گیری زبان و مهارت‌های اجتماعی تأکید می‌نماید.

در فرهنگ ایرانی، بازی‌های بومی-محلی از دیرباز بخشی از زندگی اجتماعی و ابزار مهمی برای انتقال ارزش‌ها، باورها و مهارت‌های گروهی بوده‌اند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که این بازی‌ها نه تنها موجب شادی و سرگرمی می‌شوند، بلکه در تقویت مهارت‌های اجتماعی، شناختی و اخلاقی کودکان نیز مؤثر هستند (رضایی‌مهرزادگان، ۱۳۹۹). بازی‌هایی همچون هفت‌سنگ، وسطی، لی‌لی و الک‌دولک علاوه بر جنبه‌های تفریحی، فرصتی برای تمرین همکاری، رعایت قواعد و پرورش خلاقیت فراهم می‌آورند (درعلی‌بنی، ۱۴۰۳).

با وجود این ظرفیت‌ها، بازی‌های بومی در مدارس ایران جایگاه چندانی در برنامه‌های رسمی نیافته‌اند. نظام آموزشی کشور همچنان متکی بر شیوه‌های آموزش حافظه‌محور است و کمتر به یادگیری فعال و مشارکتی توجه دارد (ملکی، ۱۳۹۴). در حالی که جشنواره‌ها و فعالیت‌های

^۱ Piaget

^۲ Vygotsky

فوق برنامه‌ای برای معرفی این بازی‌ها برگزار می‌شوند، اما این اقدامات غالباً مقطعی بوده و به ساختار آموزشی رسمی راه نمی‌یابند (رشد، ۱۳۹۸).

اهمیت پرداختن به بازی‌های بومی را می‌توان در چند بعد خلاصه کرد: نخست، این بازی‌ها به تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان کمک می‌کنند؛ زیرا مشارکت در میراث فرهنگی، حس تعلق و انسجام اجتماعی را افزایش می‌دهد. دوم، بازی‌های بومی زمینه‌ساز رشد مهارت‌های اجتماعی چون همکاری، مسئولیت‌پذیری و رعایت قواعد می‌شوند (انسانی، ۱۳۹۱). سوم، این بازی‌ها در بُعد شناختی و آموزشی، خلاقیت، تفکر انتقادی و یادگیری معنادار را ارتقا می‌دهند. چهارم، از نظر جسمانی و روانی، بازی موجب کاهش استرس، افزایش نشاط و بهبود سلامت می‌شود (ایرنا، ۱۳۹۷).

بر این اساس، پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی در پی آن است که ضمن مرور مبانی نظری و جایگاه بازی‌های بومی-محلی در ایران، ظرفیت‌های آموزشی و فرهنگی آن‌ها را بررسی کرده، چالش‌های موجود را تحلیل نماید و در نهایت راهکارهایی برای ادغام این بازی‌ها در برنامه‌های رسمی مدارس پیشنهاد دهد.

۲. مبانی نظری

بازی در نظریه‌های روان‌شناسی رشد، همواره به عنوان یک فعالیت بنیادین در فرآیند رشد کودک مورد تأکید قرار گرفته است. پیازه (۱۹۶۲) بازی را انعکاسی از مراحل رشد شناختی می‌داند و معتقد است که هر نوع بازی با یک مرحله‌ی خاص از رشد ذهنی مرتبط است. در مرحله‌ی حسی-حرکتی، بازی بیشتر جنبه‌ی تمرینی دارد و کودک از طریق آن توانایی‌های حرکتی خود را تقویت می‌کند. در دوره‌ی پیش‌عملیاتی، بازی‌های نمادین پدیدار می‌شوند؛

یعنی کودک با ایفای نقش و بازآفرینی موقعیت‌ها، توانایی بازنمایی ذهنی و خلاقیت خود را نشان می‌دهد. در نهایت، در مراحل عملیات عینی و صوری، بازی‌های قاعده‌مند رواج می‌یابند که مستلزم درک قوانین، رعایت نظم و همکاری گروهی هستند (پیاژه، ۱۹۶۲). این تحلیل نشان می‌دهد که بازی نه تنها ابزاری برای لذت و سرگرمی، بلکه شاخصی برای سنجش سطح رشد شناختی کودک است.

ویگوتسکی (۱۹۷۸) از زاویه‌ای متفاوت به بازی می‌نگرد. او معتقد است بازی عرصه‌ای است که کودک در آن فراتر از سطح توانایی‌های کنونی خود عمل می‌کند؛ به عبارت دیگر، بازی کودک را وارد «منطقه مجاور رشد» می‌کند، جایی که با کمک همسالان یا بزرگسالان می‌تواند مهارت‌های تازه بیاموزد. ویگوتسکی همچنین بر ماهیت اجتماعی بازی تأکید می‌کند و آن را بستری برای یادگیری زبان، تعامل اجتماعی و درونی‌سازی ارزش‌های فرهنگی می‌داند. از نظر او، بازی تنها بازتاب رشد نیست بلکه محرک و شتاب‌دهنده‌ی آن است (ویگوتسکی، ۱۹۷۸). این دیدگاه سبب شده است که در رویکردهای نوین آموزش، بازی به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی یادگیری مشارکتی و فعال به کار گرفته شود.

۲.۱ نقش بازی در تقویت مهارت‌های شناختی، اجتماعی و عاطفی

بازی از منظر تربیتی، یک فعالیت چندبعدی است که بر رشد شناختی، اجتماعی و عاطفی کودکان تأثیر می‌گذارد. در بعد شناختی، بازی فرصت تجربه‌ی حل مسئله، تصمیم‌گیری، خلاقیت و تفکر انتقادی را برای کودک فراهم می‌آورد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بازی‌های ساختاریافته می‌توانند توانایی تمرکز، حافظه کاری و مهارت‌های ریاضی و زبانی را تقویت کنند (پیاژه، ۱۹۶۲؛ ملکی، ۱۳۹۴).

از نظر اجتماعی، بازی بستر تعامل، همکاری و رعایت قواعد مشترک است. در جریان بازی، کودک یاد می‌گیرد که نوبت خود را رعایت کند، نظر دیگران را بپذیرد، و در عین حال از حق خود دفاع نماید. این فرآیندها در شکل‌گیری مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی نقش مهمی دارند (ویگوتسکی، ۱۹۷۸). بر اساس یافته‌های پژوهش‌های داخلی، بازی‌های گروهی موجب تقویت روحیه‌ی همکاری، همدلی و مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان می‌شوند (رضایی‌مهرزادگان، ۱۳۹۹).

در بعد عاطفی، بازی ابزاری برای تخلیه هیجانی، کاهش اضطراب و افزایش اعتماد به نفس است. بسیاری از روان‌شناسان معتقدند که بازی به کودک اجازه می‌دهد هیجان‌ها و تعارض‌های درونی خود را در فضایی امن بازنمایی کند و به شیوه‌ای سالم با آن‌ها کنار بیاید. همچنین تجربه‌ی موفقیت و پذیرش در جریان بازی، تصویر مثبت از خود و احساس کفایت را در کودک تقویت می‌کند (درعلی‌بنی، ۱۴۰۳).

۲.۲ اهمیت حفظ و انتقال فرهنگ از طریق بازی

بازی علاوه بر کارکردهای فردی و روان‌شناختی، یک پدیده‌ی فرهنگی و اجتماعی است. در بسیاری از جوامع، بازی‌ها حامل پیام‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی هستند. در ایران نیز بازی‌های بومی-محلی طی قرن‌ها بخشی از زندگی اجتماعی بوده‌اند و نقش مهمی در انتقال میراث فرهنگی ایفا کرده‌اند. این بازی‌ها نه تنها الگوهای رفتاری مانند احترام به قوانین، عدالت و همکاری را تقویت می‌کنند، بلکه به کودکان کمک می‌کنند تا با نمادها و ارزش‌های فرهنگی جامعه‌ی خود آشنا شوند (ملکی، ۱۳۹۴).

به عنوان مثال، بازی هفت‌سنگ علاوه بر تقویت مهارت‌های جسمانی، نیازمند هماهنگی، همکاری و رعایت قواعد است؛ لی‌لی تمرکز و تعادل را همراه با رقابت سالم پرورش می‌دهد؛ و وسطی بر دقت، سرعت عمل و روحیه‌ی گروهی تأکید دارد. از این منظر، بازی نوعی «زبان فرهنگی» است که ارزش‌ها و هویت جمعی را منتقل می‌کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که بی‌توجهی به این بازی‌ها در مدارس می‌تواند موجب گسست نسلی و کم‌رنگ شدن پیوند دانش‌آموزان با میراث فرهنگی شود (رضایی‌مهرزادگان، ۱۳۹۹؛ انسانی، ۱۳۹۱). بنابراین، بازی نه تنها یک ابزار روان‌شناختی برای رشد فردی است بلکه یک رسانه فرهنگی و اجتماعی برای حفظ و انتقال ارزش‌ها به شمار می‌آید.

۳. جایگاه بازی‌های بومی-محلی در ایران

جایگاه بازی‌های بومی-محلی در ایران ترکیبی از ظرفیت‌های آموزشی و فرهنگی برجسته و کمبود بهره‌گیری نظام‌مند در مدارس است. این بازی‌ها می‌توانند به رشد مهارت‌های جسمانی، شناختی، اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان کمک کنند و پیوند آنان با هویت فرهنگی و میراث ملی را تقویت نمایند. با این حال، محدودیت‌های برنامه‌ریزی درسی، کمبود فضا و نگاه غالباً نظری به آموزش سبب شده است که جایگاه این بازی‌ها در نظام رسمی آموزشی کم‌رنگ باقی بماند. این وضعیت نشان‌دهنده ضرورت بازنگری و برنامه‌ریزی هدفمند برای ادغام بازی‌های بومی در مدارس ایران است.

۳.۱ معرفی نمونه‌هایی از بازی‌های سنتی ایرانی

ایران به دلیل تنوع فرهنگی و جغرافیایی، سرشار از بازی‌های بومی-محلی است که نسل‌ها آن‌ها را تجربه کرده‌اند. این بازی‌ها از دل زندگی روزمره، مناسبات اجتماعی و نیازهای

جسمی و ذهنی کودکان شکل گرفته‌اند و با گذر زمان به بخشی از فرهنگ عامه بدل شده‌اند. بازی‌هایی مانند هفت سنگ، وسطی، لی‌لی و الک‌دولک از شناخته‌شده‌ترین نمونه‌ها هستند که در اغلب مناطق کشور رایج بوده‌اند. هر یک از این بازی‌ها دارای قوانین ساده اما آموزنده‌اند. برای مثال، هفت سنگ علاوه بر تحرک بدنی، دقت و سرعت عمل را پرورش می‌دهد؛ وسطی بر کار گروهی و هماهنگی تأکید دارد؛ لی‌لی تمرکز، تعادل و انضباط فردی را تقویت می‌کند؛ و الک‌دولک علاوه بر مهارت‌های جسمانی، به کودکان مفهوم رقابت سالم و برنامه‌ریزی تیمی را آموزش می‌دهد (درعلی‌بنی، ۱۴۰۳).

۳.۲ ارزش‌های آموزشی و فرهنگی بازی‌های بومی

فراتر از جنبه‌ی سرگرمی، بازی‌های سنتی ایرانی حامل ارزش‌های تربیتی و فرهنگی‌اند. آن‌ها به کودکان می‌آموزند چگونه در چارچوب قوانین عمل کنند، همکاری را تجربه کنند و روحیه‌ی احترام و عدالت را پرورش دهند. بازی‌های گروهی علاوه بر تقویت همدلی، موجب رشد حس مسئولیت‌پذیری و حل تعارض در میان دانش‌آموزان می‌شوند (رضایی‌مهرزادگان، ۱۳۹۹). از نظر فرهنگی نیز، این بازی‌ها بخشی از میراث معنوی ایران به شمار می‌آیند که به شکلی طبیعی و غیررسمی انتقال می‌یابند. به بیان دیگر، هر بار که کودکان در کوچه‌ها یا حیاط مدارس به انجام این بازی‌ها می‌پردازند، در حال بازتولید بخشی از هویت فرهنگی خود هستند (ملکی، ۱۳۹۴).

۳.۳ وضعیت فعلی استفاده از بازی‌های بومی در مدارس ایران

با وجود چنین ظرفیت‌هایی، جایگاه بازی‌های بومی محلی در مدارس ایران کم‌رنگ است. آموزش و پرورش رسمی به‌ویژه در دهه‌های اخیر عمدتاً به رویکردهای نظری و حافظه‌محور

متکی بوده و در نتیجه کمتر به بازی به عنوان ابزار آموزشی توجه کرده است. اگرچه در برخی مناسبت‌ها همچون جشنواره‌های دانش‌آموزی یا برنامه‌های فوق‌برنامه، نمونه‌هایی از بازی‌های سنتی معرفی و اجرا می‌شوند، اما این اقدامات غالباً جنبه مقطعی دارند و در برنامه‌ی درسی پایدار مدارس جایگاهی نیافته‌اند (رشد مگ^۱، ۲۰۱۹). همچنین، عواملی مانند محدودیت فضای مدارس شهری، تراکم بالای دانش‌آموزان و فشار محتوای درسی مانع جدی در برابر اجرای منظم این بازی‌ها هستند (ایرنا^۲، ۲۰۱۸).

مرور جایگاه بازی‌های بومی-محلی در ایران نشان می‌دهد که این بازی‌ها علاوه بر سرگرمی، ابزاری تربیتی و فرهنگی با ظرفیت‌های گسترده‌اند. آن‌ها می‌توانند به رشد جسمانی، شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان کمک کنند و در عین حال پیوند آنان با میراث فرهنگی کشور را تقویت نمایند. با این حال، در وضعیت کنونی، بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها در مدارس به شکل نظام‌مند و پایدار صورت نمی‌گیرد. همین امر ضرورت بازاندیشی در سیاست‌های آموزشی و تلاش برای ادغام آگاهانه‌ی بازی‌های بومی در برنامه‌های رسمی مدارس را برجسته می‌سازد.

۴. ظرفیت‌ها و مزایای آموزشی

بازی‌های بومی-محلی ایران نه تنها جنبه سرگرمی دارند بلکه ظرفیت‌های آموزشی گسترده‌ای نیز فراهم می‌کنند. این بازی‌ها با ماهیت گروهی خود، مهارت‌های اجتماعی کودکان را تقویت می‌کنند و فرصت‌هایی برای همکاری، تقسیم نقش، مسئولیت‌پذیری و حل تعارض فراهم می‌آورند. به عنوان نمونه، بازی هفت سنگ نیازمند هماهنگی تیمی و رعایت نوبت است و کودکان در آن یاد می‌گیرند چگونه در چارچوب قوانین گروه عمل کنند و به تصمیمات

^۱ Roshdmag

^۲ IRNA

جمعی احترام بگذارند. بازی وسطی نیز با ایجاد تعامل میان اعضای گروه، مهارت‌های ارتباطی و توانایی مدیریت تعارض را پرورش می‌دهد (آلیریاد، ستیوان و یولیانتو^۱، ۲۰۲۴).

علاوه بر جنبه اجتماعی، این بازی‌ها نقش مهمی در رشد شناختی و پرورش خلاقیت دارند. در جریان بازی، کودکان با موقعیت‌های چالشی مواجه می‌شوند که نیازمند تصمیم‌گیری سریع، حل مسئله و تفکر استراتژیک است. برای مثال، در بازی الک‌دولک، بازیکنان باید مسیرهای حرکت خود را برنامه‌ریزی کنند و استراتژی‌های گروهی برای موفقیت انتخاب نمایند؛ این فرآیندها باعث افزایش تفکر انتقادی و ابتکار عمل می‌شود. همچنین بازی لی‌لی با نیاز به تمرکز و هماهنگی حرکتی، توانایی حل مسئله و تمرکز ذهنی کودکان را بهبود می‌بخشد (ستیوان، ۲۰۱۹).

یکی دیگر از ابعاد مهم بازی‌های سنتی، نقش آن‌ها در حفظ و تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی است. این بازی‌ها کودکان را با میراث فرهنگی، آداب و رسوم و ارزش‌های اجتماعی جامعه خود آشنا می‌کنند و حس تعلق به فرهنگ و جامعه را در آن‌ها تقویت می‌کنند. هنگامی که کودکان در مدرسه یا در محله به بازی‌هایی مانند هفت سنگ یا وسطی می‌پردازند، در واقع در حال بازتولید هویت جمعی و انتقال ارزش‌های اجتماعی به نسل بعدی هستند (ستیوان، ۲۰۱۹).

از نظر جسمانی و روانی نیز، بازی‌های بومی-محلی فواید قابل توجهی دارند. این بازی‌ها با افزایش تحرک بدنی و فعالیت‌های جسمانی مناسب، سلامت جسمی کودکان را بهبود می‌بخشند. علاوه بر این، بازی فضای شاد و مفرحی فراهم می‌آورد که به کاهش استرس و

^۱ Aliriad, Setiawan, & Yulianto

اضطراب، افزایش نشاط و تقویت اعتماد به نفس منجر می‌شود. بازی‌های گروهی با رقابت سالم و تجربه موفقیت و شکست در چارچوب قوانین، مهارت‌های مدیریت هیجان و خودکنترلی را نیز در کودکان تقویت می‌کنند (آلیریاد، ستیوان و یولیانتو، ۲۰۲۴).

به طور کلی، بازی‌های بومی-محلی ایران یک ابزار آموزشی چندبعدی هستند که همزمان مهارت‌های اجتماعی، شناختی، خلاقیت، هویت فرهنگی و سلامت جسمانی و روانی کودکان را پرورش می‌دهند. با وجود این ظرفیت‌ها، بهره‌گیری منظم و ساختاریافته از این بازی‌ها در مدارس هنوز محدود است و برنامه‌ریزی هدفمند برای ادغام آن‌ها در آموزش رسمی می‌تواند موجب شکوفایی تمام پتانسیل‌های آموزشی و فرهنگی این بازی‌ها شود.

۵. چالش‌ها و محدودیت‌ها

با وجود ظرفیت‌های بی‌بدیل بازی‌های بومی-محلی در تقویت مهارت‌های اجتماعی، شناختی، فرهنگی و جسمانی کودکان، متأسفانه اجرای این بازی‌ها در مدارس ایران با موانع و محدودیت‌های جدی مواجه است. اولین چالش محسوس، محدودیت‌های فیزیکی و تجهیزات مدارس به ویژه در شهرهای بزرگ است. بسیاری از مدارس شهری با کلاس‌های کوچک، حیاط‌های محدود یا بدون فضای باز کافی مواجه‌اند؛ در چنین شرایطی، برگزاری بازی‌های گروهی که نیازمند تحرک و آزادی عمل هستند، تقریباً غیرممکن می‌شود. علاوه بر این، کمبود وسایل و تجهیزات متناسب با بازی‌ها، از جمله توپ‌ها، سنگ‌ها و ابزارهای ساده بازی، اجرای آن‌ها را با مشکل مواجه می‌سازد. فشارهای برنامه درسی و حجم زیاد محتوای نظری، حتی فرصت اندکی برای فعالیت‌های فوق‌برنامه یا آموزش مبتنی بر بازی باقی نمی‌گذارند. این محدودیت‌ها نشان می‌دهد که بدون تغییر زیرساخت‌ها و انعطاف در برنامه درسی، ظرفیت‌های

ارزشمند بازی‌های بومی-محلی به طور کامل مورد استفاده قرار نخواهند گرفت (ملکی، ۱۳۹۴؛ رشد‌مگ، ۲۰۱۹).

دومین چالش، نگرش غالب سنتی در آموزش و پرورش است. آموزش رسمی ایران هنوز بر حفظ و انتقال اطلاعات نظری تأکید دارد و کمتر به یادگیری فعال، تجربه‌ای و بازی‌محور توجه می‌کند. در این شرایط، ارزش آموزشی بازی‌های سنتی به درستی شناخته نمی‌شود و بسیاری از معلمان و مدیران آموزشی به دلیل نگرش سنتی خود، به بازی‌ها به چشم فعالیت جانبی یا تفریح نگاه می‌کنند نه به عنوان ابزار قدرتمند آموزشی. این دیدگاه محدود باعث می‌شود که حتی بازی‌هایی که ظرفیت بالایی در پرورش مهارت‌های اجتماعی، شناختی و فرهنگی دارند، به صورت پراکنده و غیرسیستماتیک در مدارس اجرا شوند (رضایی‌مهرزادگان، ۱۳۹۹).

سومین محدودیت، فقدان آموزش و توانمندسازی کافی معلمان برای هدایت بازی‌ها است. بازی‌های بومی-محلی برای دستیابی به اهداف آموزشی و تربیتی نیازمند هدایت و مدیریت هدفمند هستند. معلمان باید بدانند که هر بازی چه مهارت‌هایی را تقویت می‌کند و چگونه می‌توان آن را با اهداف درسی و تربیتی تلفیق کرد. در نبود دوره‌های آموزشی تخصصی و منابع راهنما، حتی معلمان علاقه‌مند نیز اغلب نمی‌توانند به صورت مؤثر از این ظرفیت‌ها بهره ببرند. بنابراین، فقدان دانش و مهارت‌های لازم معلمان، یکی از مهم‌ترین موانع عملیاتی کردن بازی‌ها در مدارس است (درعلی‌بنی، ۱۴۰۳).

علاوه بر موانع ساختاری و آموزشی، می‌توان چالش‌های فرهنگی و اجتماعی را نیز مدنظر قرار داد. بازی‌های سنتی اغلب با ارزش‌ها و آداب بومی پیوند دارند و ممکن است در برخی

محیط‌های شهری و مدرن، کمتر مورد توجه دانش‌آموزان قرار گیرند. نبود حس تعلق و آشنایی کافی با فرهنگ محلی می‌تواند انگیزه کودکان را برای مشارکت در این بازی‌ها کاهش دهد و موجب شود که بازی‌ها در مدارس جنبه نمایشی پیدا کنند، نه عملی و آموزشی.

بنابراین، اگر بخواهیم ظرفیت‌های بازی‌های بومی-محلی به نحو مؤثری در مدارس مورد استفاده قرار گیرد، لازم است که هم زیرساخت‌های فیزیکی و تجهیزاتی بهبود یابد، هم نگرش آموزشی معلمان و مدیران اصلاح شود، و هم معلمان برای هدایت هدفمند بازی‌ها توانمند شوند. تنها در این صورت است که بازی‌های سنتی می‌توانند جایگاه واقعی خود را در فرآیند یاددهی-یادگیری و پرورش مهارت‌های جامع دانش‌آموزان پیدا کنند.

۶. راهکارها و پیشنهادها

با توجه به محدودیت‌ها و چالش‌هایی که در زمینه بهره‌گیری از بازی‌های بومی-محلی در مدارس وجود دارد، ضروری است که سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی به گونه‌ای طراحی شوند که ظرفیت‌های این بازی‌ها به شکل کامل و مؤثر مورد استفاده قرار گیرد. یکی از نخستین و ساده‌ترین راهکارها، ادغام بازی‌های بومی در ساعات فوق‌برنامه و زنگ ورزش مدارس است. اجرای بازی‌های سنتی در این فضاها می‌تواند بدون ایجاد اختلال در برنامه درسی، فرصتی برای یادگیری فعال، تعامل اجتماعی و تحرک بدنی کودکان فراهم کند. به عنوان مثال، اختصاص یک روز در هفته برای برگزاری بازی‌های گروهی سنتی، می‌تواند علاوه بر سرگرمی، مهارت‌های همکاری، حل مسئله و احترام به قوانین را تقویت نماید (ملکی، ۱۳۹۴).

راهکار دوم، طراحی برنامه‌های درسی با محوریت بازی و یادگیری فعال است. این رویکرد مستلزم آن است که بازی‌ها به عنوان ابزار آموزشی جدی در ساختار درس‌ها جای گیرند و فعالیت‌های یادگیری مبتنی بر تجربه، حل مسئله و مشارکت گروهی در کلاس‌های درس جایگزین رویکردهای صرفاً نظری و حافظه‌محور شود. تجربه‌های بین‌المللی نشان داده‌اند که تلفیق بازی با یادگیری فعال، میزان مشارکت دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد و توانایی‌های شناختی و مهارت‌های اجتماعی آن‌ها را تقویت می‌کند (ستیان، ۲۰۱۹).

سومین راهکار، آموزش و توانمندسازی معلمان و والدین درباره اهمیت بازی‌های سنتی است. معلمان باید با آگاهی کامل از اهداف آموزشی، اجتماعی و فرهنگی بازی‌ها، قادر باشند هدایت فعالیت‌ها را به شکل مؤثر انجام دهند. همچنین، مشارکت والدین در این فرآیند می‌تواند انگیزه دانش‌آموزان را برای شرکت فعال در بازی‌ها افزایش دهد و حس تعلق به هویت فرهنگی را تقویت نماید (درعلی‌بنی، ۱۴۰۳). برگزاری کارگاه‌های آموزشی، ارائه راهنماهای عملی و انتشار منابع مطالعاتی می‌تواند به ارتقای دانش معلمان و والدین کمک کند.

نهایتاً، استفاده از فناوری‌های نوین به منظور معرفی، مستندسازی و بازسازی بازی‌های بومی می‌تواند راهکاری مؤثر برای ترویج این بازی‌ها در جامعه مدرن باشد. تولید محتوای دیجیتال، بازی‌های تعاملی رایانه‌ای و اپلیکیشن‌های موبایل می‌توانند بازی‌های سنتی را به شکل جذاب و قابل دسترس برای نسل جدید ارائه دهند. این اقدام علاوه بر حفظ میراث فرهنگی، موجب افزایش مشارکت دانش‌آموزان و ایجاد تعامل میان سنت و تکنولوژی می‌شود (رشد مگ، ۲۰۱۹).

به طور کلی، ترکیب این راهکارها—ادغام در ساعات فوق‌برنامه، طراحی درس‌های بازی‌محور، آموزش معلمان و والدین، و بهره‌گیری از فناوری—می‌تواند زمینه‌ساز بهره‌گیری مؤثر و پایدار از ظرفیت‌های آموزشی، اجتماعی و فرهنگی بازی‌های بومی—محلی در مدارس ایران باشد و جایگاه واقعی آن‌ها را در فرآیند تربیت و آموزش دانش‌آموزان تثبیت کند.

نتیجه‌گیری

بازی‌های بومی—محلی ایران، به عنوان بخشی از میراث فرهنگی و سنت‌های اجتماعی کشور، بیش از هر فعالیت تفریحی دیگری، ظرفیت‌های آموزشی، تربیتی و اجتماعی قابل توجهی دارند. این بازی‌ها، ضمن ایجاد فرصت‌های تعامل گروهی و تقویت مهارت‌های اجتماعی مانند همکاری، مسئولیت‌پذیری و حل تعارض، زمینه توسعه مهارت‌های شناختی و خلاقیت کودکان را نیز فراهم می‌کنند. علاوه بر این، بازی‌های سنتی با انتقال ارزش‌ها، آداب و رسوم و هویت فرهنگی، نقش مهمی در شکل‌دهی حس تعلق به جامعه و ارتقای هویت جمعی نسل‌های آینده ایفا می‌کنند. از نظر روانی و جسمانی نیز، مشارکت در این بازی‌ها موجب کاهش استرس، افزایش نشاط و تحرک بدنی و تقویت سلامت عمومی کودکان می‌شود.

با این حال، بررسی وضعیت موجود نشان می‌دهد که این ظرفیت‌ها در مدارس ایران به طور کامل مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرند. محدودیت‌های فیزیکی مدارس، کمبود تجهیزات مناسب، فشار برنامه‌های درسی، نگاه سنتی و تمرکز بیش از حد بر آموزش نظری، و فقدان آموزش و توانمندسازی معلمان، از مهم‌ترین موانع عملیاتی شدن بازی‌های بومی—محلی در نظام رسمی آموزشی هستند. این موانع باعث شده‌اند که بازی‌های سنتی غالباً در فعالیت‌های فوق‌برنامه یا مناسبت‌های مقطعی اجرا شوند و جایگاه آموزشی و فرهنگی واقعی خود را پیدا نکنند.

با توجه به اهمیت این موضوع، ضروری است که سیاست‌گذاران و مدیران آموزش و پرورش، با اتخاذ رویکردی جامع و چندبعدی، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری هدفمند برای تقویت بازی‌های بومی-محلی در مدارس انجام دهند. این اقدامات می‌توانند شامل طراحی برنامه‌های درسی بازی‌محور، ادغام بازی‌های سنتی در ساعات فوق‌برنامه و ورزش، آموزش و توانمندسازی معلمان و والدین، و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای معرفی، مستندسازی و بازسازی بازی‌ها باشند. چنین رویکردی نه تنها فرصت یادگیری فعال، مشارکتی و خلاقانه را برای دانش‌آموزان فراهم می‌آورد، بلکه موجب حفظ و انتقال فرهنگ و هویت ملی به نسل‌های آینده نیز می‌شود.

در نهایت، می‌توان گفت که بازی‌های بومی-محلی ابزارهایی چندبعدی و استراتژیک برای تربیت و آموزش نسل جوان هستند؛ ظرفیت‌هایی که در صورت برنامه‌ریزی مناسب و حمایت مستمر می‌توانند به توسعه مهارت‌های شناختی، اجتماعی، فرهنگی و جسمانی کودکان منجر شوند. توجه جدی به این حوزه، سرمایه‌گذاری هدفمند و سیاست‌گذاری هوشمندانه، نه تنها کیفیت آموزش و پرورش را ارتقا می‌دهد، بلکه آینده‌ای پویا و هویت‌محور برای نسل‌های بعدی رقم خواهد زد.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

۱. انسانی، م. (۱۳۹۱). نقش بازی‌های سنتی در تقویت مهارت‌های اجتماعی کودکان. مجله علوم تربیتی، ۲(۳)، ۴۵-۶۰.
۲. ایرنا. (۱۳۹۷). فواید روانی و جسمی بازی در کودکان. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران.
۳. درعلی‌بنی، الف. (۱۴۰۳). بازی‌های بومی و هویت فرهنگی دانش‌آموزان. فصلنامه پژوهش‌های فرهنگی، ۱۵(۱)، ۸۰-۹۵.
۴. رضایی‌مهرزادگان، س. (۱۳۹۹). بازی‌های محلی و تأثیر آن بر رشد اجتماعی و شناختی کودکان. مجله تعلیم و تربیت، ۴۵(۲)، ۶۵-۸۷.
۵. رشد مگ. (۱۳۹۸). نقش جشنواره‌های دانش‌آموزی در معرفی بازی‌های سنتی. نشریه رشد آموزش تربیت بدنی، ۳۶(۴)، ۷۲-۸۱.
۶. ملکی، ح. (۱۳۹۴). نظریه‌های یادگیری و آموزش فعال در مدارس ایران. تهران: انتشارات سمت.

ب) منابع لاتین

1. Aliriad, R., Setyawan, D., & Yulianto, A. (۲۰۲۴). Traditional games as tools for enhancing social and cognitive skills in

- schools. International Journal of Educational Research*, ۷۸(۲), ۱۱۲-۱۲۵.
۲. Piaget, J. (۱۹۶۲). *Play, dreams and imitation in childhood*. New York: Norton.
۳. Steven, R. (۲۰۱۹). *Game-based learning and creativity in childhood education. Journal of Early Childhood Development*, ۱۴(۳), ۲۰۱-۲۱۸.
۴. Vygotsky, L. S. (۱۹۷۸). *Mind in society: The development of higher psychological processes*. Cambridge, MA: Harvard University Press.